

انسان، موجودی اجتماعی و مدنی است و بر اساس گوناگونی نیازهای مادی و معنوی خود با دیگران ارتباط کلامی، نوشتاری، تصویری و مانند آنها برقرار می کند. برای آسان ساختن ارتباط های خود با دیگران، به شیوه های متنوعی روی آورده و وسائل گوناگون اطلاع رسانی مانند: پست، تلگراف، روزنامه، نشریات، تلفن های ثابت و همراه، اینترنت، رادیو، تلویزیون، ماهواره و ... اختراع کرده است. در اینکه راه ها و ابزارهای ارتباطی در زندگی انسان ها امری لازم و ضروری است، تردیدی نیست. اما مسئله مهم، بهره گیری درست و سالم از آنها در جهت تعالی انسان به سوی اهداف مادی و معنوی اوست که گاه بر اساس عوامل گوناگون دستخوش انواع آفت ها و آسیب ها می شود و نه تنها آن ابزارها به سود انسان تمام نمی شود، بلکه سبب انواع تخریب ها، گرفتاری ها، حق کشی ها، انحراف ها، و مانند آنها می شود.

این نوشتار بر آن نیست که به بررسی آن عوامل و شیوه های بهره گیری درست از آن ابزار و آسیب شناسی علمی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی آنها بپردازد، بلکه قصد اصلی، بررسی اجمالی علل و عوامل و پیامدهای سوء یکی از شیوه های نادرستی است که در جهت رسیدن به امیال نفسانی و غیر انسانی به کار گرفته می شود و آن، بررسی ابعاد و انواع و آثار سوء «استهزا و تمسخر»، بر اساس آموزه های دینی است. تا به این وسیله، اخلاق رسانه ای در جامعه اسلامی بیش از پیش تقویت شود.

استهزا و تمسخر، امری فراگیر و شایع در ابزارهای ارتباطی فردی و رسانه های جمعی است که با آن آگاهانه به تحقیر ارزش های اخلاقی، انسانی، مذهبی و نیز تخریب چهره های مذهبی، اولیای دین، ناکارآمد جلوه دادن احکام و آموزه های دینی، تضعیف مبانی اعتقادی عموم مردم، و مانند آنها پرداخته می شود و یا ناخودآگاه کار آنان این آثار سوء را به دنبال دارد.

مفهوم شناسی استهزا و واژه های مترادف آن

از آنجا که واژگان دیگری هم هستند که با واژه استهزا تقریباً هم معنی هستند؛ از این رو افزون بر بیان معنای آن، به بررسی واژه های همزه، لمزه و تنابز نیز پرداخته می شود.

1. استهزا

بیشتر واژه شناسان و مفسران قرآن، استهزا را هم معنای با تمسخر دانسته اند. این واژه به معنای آن است که کسی را تحقیر کنند و شأن و منزلت او را پایین آورند و یا یکی از مبانی، اصول و آموزه های انسانی و دینی را بی ارزش جلوه دهند و آن را به ریشخند بگیرند:

(قُلْ أَلَا بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ)؛ [1] «بگو آیا خدا و آیات او و پیامبرش را تحقیر می کنید؟!» [2]

استهزا و تمسخر، گاه با زبان است و گاه با عمل؛ مانند اشاره، کنایه، تعریض و تقلید حرکات و گفتار؛ به گونه ای که بینندگان و شنوندگان بالطبع از آن سخن، اشاره یا تقلید بخندند. [3]

2. هَمْزَه

«همزه» و «لمزه» هر دو صیغه مبالغه است. اولی از ماده «همز» در اصل به معنی «شکستن» است و از آنجا که افراد عیب جو و غیبت کننده، شخصیت دیگران را درهم می شکنند، به آنها «همزه» اطلاق شده است.

3. لَمْزَه

«لمزه» از ماده «لَمْز» (بر وزن رمز) در اصل به معنی غیبت کردن و عیب جویی کردن است.

از مجموع سخنان واژه شناسان به دست می آید که این دو واژه به یک معنا هستند و مفهوم وسیعی دارند و هر گونه عیب جویی، غیبت، طعن و استهزا را به وسیله زبان، علائم، اشارات، سخن چینی و بدگویی شامل می شوند.

[4]

4. تَنَابُز

«تنابز» به معنای لقب زشت به کسی دادن است: (و لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ) [5] ؛ «و با القاب بد، یکدیگر را نخوانید».

[6]

انواع استهزا

استهزا، گونه های متفاوت دارد. این عمل ناپسند گاه در قالب نگارش جمله های طنز آمیز و نسبت دادن القاب زشت و ناپسند یا مقاله، گاه با کشیدن کاریکاتور، گاهی از طریق نمایش و تقلید گویش ها و لهجه های اقوام و ملت ها و پوشیدن لباس آنها به گونه نامناسب و خنده دار است که این امور معمولاً از رسانه های مکتوب مانند روزنامه ها و نشریات، رسانه های صوتی و تصویری از قبیل رادیو، تلویزیون، سی دی، تلفن همراه و مانند آن به دیگران انتقال داده می شود.

انگیزه ها و ریشه های استهزا

استهزا مانند دیگر رفتارهای ناپسند، ریشه های گوناگون دارد و در اینجا به برخی از آنها با الهام از آیه های قرآن کریم و روایات معصومان (ع) اشاره می شود:

1. خود برتر بینی

برتر دیدن خود و یا قوم و تبار و ملت خود، یکی از ریشه های استهزای افراد، از اقوام و ملل دیگر است. بسیاری از پیامک ها که متوجه نژادها و زبان های دیگر اقوام است، از این قبیل است. قرآن کریم درباره این عامل می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) [7] ؛

«ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را استهزا کنند شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نه زنانی از زنان دیگر شاید آنها بهتر از اینان باشند. و یکدیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید، و با القاب زشت و ناپسند یاد نکنید. بسیار بد است که بر کسی بعد از ایمان نام کفر بگذارید. و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند».

از اینکه می فرماید: «شاید آنها از اینها بهتر باشند» به دست می آید که سرچشمه استهزا و سُخره، همان حسّ

خود برتر بینی و کبر و غرور است که عامل بسیاری از جنگ های خونین در طول تاریخ بوده است. خود برتر بینی، بیشتر از ارزش های ظاهری و مادی سرچشمه می گیرد؛ مثلاً فلان کس خود را از دیگران ثروتمندتر، زیباتر، یا از قبیله ای سرشناس تر می شمرد و احیاناً این پندار که از نظر علم، عبادت و معنویات از فلان جمعیت برتر است، او را وادار به سخریه می کند. [8]

در شأن نزول این آیه آمده است که شخصی به نام «ثابت بن قیس» شنوایی ضعیفی داشت و به همین جهت، همیشه کوشش می کرد زودتر به مسجد بیاید تا در کنار رسول خدا (ص) جای گزیند. اتفاقاً یک روز آمدنش به تأخیر افتاد. مردم نمازشان را خواندند و آماده شنیدن سخنان نبی اکرم (ص) شدند که «ثابت بن قیس» وارد مسجد شد و به شیوه همیشگی می گفت: راه را باز کنید، راه را باز کنید. و از روی شانه های مردم می گذشت تا نزد پیامبر (ص) برود. یکی از نمازگزاران به او گفت: به مجلس رسیدی، همین جا بنشین. «ثابت بن قیس» با خشم و ناراحتی همان جا نشست. وقتی هوا روشن شد، گفت: آن کس که به من گفت همین جا بنشین، چه کسی بود؟ آن مرد خود را معرفی کرد. «ثابت بن قیس» گفت: تو پسر همان زنی هستی که ... (مادرش در زمان جاهلیت مرتکب کارهای زشت می شد). آن مرد خجالت کشید و سر به زیر افکند. آن گاه آیه مزبور نازل شد که یکدیگر را به زشتی یاد نکنید. [9]

از این آیه و شأن نزول آن، چند نکته به دست می آید همانند:

یک: در حرمت بدگویی و نسبت ناروا دادن به مسلمان، شرط نیست که آن نسبت دروغ باشد، بلکه ممکن است آن شخص پیشتر دارای آن صفات بوده، ولی اینک توبه کرده و نه تنها آن صفات را ندارد، بلکه از آنها متنفر و منزجر است.

دو: ملاک و میزان در برخوردهای اجتماعی و معاشرت با مردم، حالت فعلی آنها است؛ نه حالت سابق آنها. سه: این آیه به گونه روشن و گویا، کسانی را که کارهای گذشته و پیشینه افراد را میان مردم افشا می کنند و به گونه خصوصی یا در رسانه های گروهی و ... منتشر می سازند، توبیخ می کند و عمل آنان را بدترین و زشت ترین کار ها می داند.

2. دنیاطلبی و دنیا مداری

در مضامین دینی، فریفتگی و دل بستگی کافران به دنیا، یکی از عوامل تمسخر و استهزای مؤمنان معرفی شده است:

(رَبِّينَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) [10]؛

«زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است. از این رو، افراد با ایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می کنند؛ در حالی که پرهیزگاران در قیامت بالاتر از آنان هستند (چرا که ارزش های حقیقی در آن جا آشکار می گردد و صورت عینی به خود می گیرد)، و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می دهد».

3. جهالت

جهالت غیر از جهل است. جهل به معنای ندانستن است که در برابر علم و آگاهی می آید و اما جهالت به معنای نابخردی است و جاهل کسی است که کارهای او بر اساس عقل و وحی نیست. عصر جاهلیت، برهه ای از زمان است که گروهی از مردم هواهای نفسانی را معیار عمل قرار می دادند و از عقل و دین به دور بودند. قرآن کریم این ویژگی را از عوامل استهزا و تمسخر دیگران بر می شمارد؛ همان گونه که می فرماید:

(وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَ تَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ) [11]؛ « (و به خاطر بیاورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: خداوند به شما دستور می دهد ماده گاوی را ذبح کنید (و قطعه ای از بدن آن را به مقتولی که قاتل او شناخته نشده، بزنید تا زنده شود و قاتل خویش را معرفی کند و غوغا خاموش گردد). گفتند: آیا ما را مسخره می کنی؟ (موسی گفت:) به خدا پناه می برم از اینکه از جاهلان باشم».

بر اساس این آیه استهزا و مسخره کردن، کار افراد نادان و جاهل است و چون موسی خود را از جهالت به دور می داند، اتهام تمسخر و استهزای مردم را نیز نمی پذیرد.

4. جهل و ندانستن

بسیاری از مردم بر اثر ندانستن حکم و آثار سوء دنیوی و اخروی استهزا و تمسخر، صرفاً برای سرگرم کردن خود دست به چنین کاری می زنند؛ در حالی که در روایات گوناگون جهل و ندانستن، مذمت و در باره آثار سوء آن بارها هشدار داده شده است. امام علی (ع) می فرماید: «الجهل معدن الشر؛ [12] جهل، سرچشمه شر است». و در جای دیگر، آن را نوعی بیماری معرفی می کند: «أسوأ السقم الجهل؛ [13] بدترین بیماری، ندانستن است». نیز در باره ویژگی های جاهلان می فرماید: «ست خصال يعرف في الجاهل: الغضب من غير شر، و الكلام من غير نفع، والعطية في غير موضعها، و إفشاء السر، و الثقة بكل أحد، لا يعرف صديقه من عدوه؛ [14] شش ویژگی در شخص جاهل نمایان است: بی مورد خشمگین شدن، سخن بیهوده گفتن، بیجا بخشش کردن، افشای سر، به هر کسی اعتماد کردن و شناختن دوست از دشمن».

5. ارتکاب گناه

از جمله ریشه های استهزا، غرق شدن در گناهان است؛ زیرا گناه قلب انسان را تیره و از ارزش ها گریزان می کند. از این رو، در مواجهه با آیات الهی، به استهزای آنها می پردازد و آنها را به باد تمسخر می گیرد. قرآن کریم درباره این گروه می فرماید:

(ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السَّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ) [15]؛

«و سرانجام کسانی که بدی ها را به بدترین وجه مرتکب می شدند، این بود که آیات خدا را تکذیب و آنها را استهزا کنند».

6. نفاق

بسیاری از هتاکي ها و تمسخرهایی که از سوی منافقان و دگراندیشان از طریق ابزار ارتباط جمعی و رسانه ها انجام می پذیرد، معلول نفاق و کفر باطنی آنان است:

(وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤْنَ) [16]؛

«و هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می کنند، می گویند: ما ایمان آورده ایم. (ولی) هنگامی که با شیاطین خود خلوت می کنند، می گویند: با شما مییم، ما (آنها را) مسخره می کنیم».

7. ناتوانی در برابر منطق

8. هنر نمایی برای مجلس گرمی و جلب مخاطبان

برخی از افراد هنرمند نما، می پندارند که جلب توجه و خنداندن مخاطب به هر قیمت و صورتی، کاری هنرمندانه است. این گونه افراد، با کنار گذاشتن معیارهای عقلی و دینی با انواع طنز ها، لودگی ها، دلچک بازی ها و تقلید گویش اقوام به گونه های نامناسب و مانند آن به تمسخر و تحقیر مستقیم و غیر مستقیم مردم و یا گروه خاصی

از آنها می پردازند. اغلب این گونه طنز ها با هدف سرگرمی و خنده به اجرا درمی آید. از منظر اسلام، در طنز یا هر فعالیت دیگر، روش و ابزار باید در عین کار آمد بودن، هیچ گونه ضرر و زیانی نداشته باشد. یکی از اصول کلی در این زمینه، این است که در طنز، ابزارها و روش ها باید مورد تأیید عقل و شرع قرار گیرد. تحقیر شخصیت افراد و تمسخر آنها از دیدگاه عقل و روایات از جمله امور ناپسند است و آموزش چگونگی تحقیر و تمسخر نیز با طنز و هر برنامه دیگر، امری است ناپسند تر و بدتر. پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

«در قیامت اهل سخریه و استهزا را می آورند و برای یکی از ایشان دری از بهشت می گشایند و به او می گویند: بشتاب و داخل شو. او با غم و اندوه می خواهد داخل شود که در را می بندند و از طرف دیگر دری می گشایند و به او می گویند: زود داخل شو. چون نزد آن در می رسد، در را می بندند. این کار ادامه می یابد و از هیچ دری نمی تواند داخل شود؛ به گونه ای که مأیوس می شود و وقتی باز هم به او می گویند: بیا. او نمی آید».[17]

با توضیحاتی که گذشت، روشن می شود که در طنز نباید تمسخر و تحقیر باشد و طنزپردازان باید روش دیگری را برای خنداندن و ارائه مفاهیم و مقاصد خود برگزینند؛ ولی متأسفانه در برخی برنامه های طنز صدا و سیما و دیگر رسانه ها و حتی در میان مردم، لطیفه ها بیش از آنکه طنز باشند، نوعی هزل و هجو است و با خرد کردن شخصیت برخی از مردم، زمینه خنده افراد را فراهم می کنند. البته اگر طنز به صورتی باشد که امر زشتی را تحقیر یا تمسخر کند و یا خود استهزا را مورد انتقاد قرار دهد و با بزرگ نمایی آن بخواهد مخاطب را متوجه زشتی آنها کند، امری پسندیده است؛ ولی آن گونه که در برخی مجموعه های تلویزیونی در سال های اخیر می بینیم، این شیوه های حرام، خود به عنوان چاشنی خنده در طنزها به کار می رود.

9. آزادی بیان و قلم

آزادی بیان و قلم از دیدگاه اسلام امری مسلم است، ولی این مسئله دستاویزی برای برخی فرصت طلبان شده و از آن برای استهزا و تمسخر دیگران در نشریات، اینترنت، تلفن های همراه و مانند آنها و به منظور تخریب چهره های دینی مانند معصومان و اولیا و خادمان دین بهره می گیرند.

برخی دیگر، چنین می پندارند که تحت عنوان «آزادی بیان و قلم» مجازند هر چه بخواهند بگویند و نیز هر عیب و نقصی را که از کسی می دانند، بر ملا سازند. حتی ممکن است نسبتی که به شخصی داده می شود، دروغ نباشد، ولی یادآوری آن سبب خجالت و سرافکندگی او شود. همه این پندارها، غلط و خطا است و از دیدگاه اسلام جایز نیست.

آثار استهزا و تمسخر

قبح و بدی و حرمت استهزا، تمسخر، نسبت های ناروا به افراد، عیب جویی و افشای اسرار مردم، امری مسلم است، چه از طریق رسانه باشد و چه در محاورات و روابط اجتماعی دیگر؛ گر چه قبح و حرمت آن در رسانه بیشتر است؛ زیرا آثار سوء آن افزون تر است در اینجا برخی از آثار سوء فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی آن را بر می شمیریم:

1. به خطر افتادن آبروی افراد

یکی از مشکلاتی که در زمان حاضر با آن مواجه هستیم، رواج پیامک ها و بلوتوث هایی است که به وسیله آن، مسائل غیر اخلاقی و تصاویر خصوصی ترین لحظه های افراد، هجویات، مسخره کردن قشرهای مختلف جامعه و شخصیت های شاخص کشور را منتشر می سازند؛ در حالی که در روایات دینی، انسان مؤمن، حرمتی در رتبه

حرمت خانه کعبه دارد.

انسان چهار سرمایه دارد که همه آنها باید در دژهای «قانون» قرار گیرد و محفوظ باشد: جان، مال، ناموس و آبرو. تعبیرات آیات قرآن و روایات اسلامی نشان می دهد که آبرو و حیثیت افراد همچون مال و جان آنهاست، بلکه از بعضی جهات مهم تر است. اسلام می خواهد در جامعه اسلامی امنیت کامل حکم فرما باشد، نه تنها مردم از آسیب های جسمی یکدیگر در امان باشند، بلکه از زبان و از آن بالاتر، از اندیشه و فکر همدیگر نیز در ایمن باشند؛ به گونه ای که هر کس احساس کند که دیگری حتی در فکر خود تیرهای تهمت را به سوی او نشانه گیری نمی کند و این، بالاترین سطح امنیت است که جز در جامعه مذهبی و مؤمن، امکان پذیر نیست.

2. تفرقه

3. تضعیف روحیه تعاون و همکاری

آنچه زندگی انسان را از حیوانات جدا می کند و به آن رونق و حرکت و تکامل می بخشد، روح تعاون و همکاری دسته جمعی است و این در صورتی امکان پذیر است که آنان در میان اجتماع احساس امنیت کنند؛ در حالی که تمسخر و استهزا، پایه های این اعتقاد را در هم می کوبد، پیوندهای تعاون را از بین می برد و روح اجتماعی را تضعیف می کند.

4. تضعیف غیرت دینی و دین مداری

از جمله آثار سوء استهزا و تمسخر در رسانه ها، تضعیف غیرت دینی، گسترش اباحی گری و سست شدن مبانی اعتقادی مردم به ویژه قشر جوان است. این گونه استهزاها که معمولاً در قالب طنز صورت می گیرد، پیامدهای زیر را به دنبال دارد:

تحقیر اعتقادات دینی و مذهبی، تخریب شخصیت های مذهبی، تخریب ارزش های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که پیوندی ناگسستنی با اعتقادات مذهبی دارد، تخطئه احکام مذهبی در مورد ممنوعیت روابط نامشروع با محارم، هجو دعاها و وارد شده، نسبت دادن صفات جنسی به شخصیت های مذهبی، تمسخر تفکرات پایه ای تشیع مانند اعتقاد به شفاعت، شفا، مهدویت و ...، هجو آیه های قرآن و ساختن آیه های جعلی در مورد روابط نامشروع و غیره، تخریب اعتقادات مذهبی چون عاشورا و محرم، تمسخر و تخطئه روحانیان و تأکید بر ریای مذهبی در شخصیت آنان و

بسیاری از این گونه طنزها از سوی افراد مغرض و مخالف با مکتب تشیع و معاندان با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در قالب فیلم کوتاه، صوت و نوشتار، تولید و منتشر می شود که بسیاری از مردم، ناآگاهانه و بدون توجه به آثار سوء آن و گاه صرفاً برای خنداندن دوستان خود، آن را نقل و یا از طریق بلوتوث و پیامک به سرعت به دیگران منتقل می کنند. جوانی که صدها جوک خنده دار و تقلید مسخره آمیز درباره مسائل مذهبی را شنیده است، اگر در مجلس عزاداری خنده اش نگیرد، بی گمان نمی تواند بگیرد و یا حال خوش عرفانی پیدا کند. همچنین سخنان سخره آمیزی که مربوط به احکام فقهی و روحانیان است، در نهایت باعث کاهش پایبندی به دستورهای شرع و تضعیف رابطه میان مردم و روحانیان می شود.

ذهنی که با «افکار شیطانی» سیاه شود، جایی برای نورانیت «یاد خدا» نخواهد داشت؛ زیرا او با دیدن هر چیزی، به جای تفکر در آیات الهی، به یاد جمله ای می افتد که برای آن ساخته اند. چنین کسی به جای ذکر خداوند، لطیفه می گوید و به جای مطالب مفید علمی، دنبال پیامک جدید می رود. قرآن کریم استهزای مؤمنان را سبب غفلت از یاد خدا معرفی می کند:

(فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ) [18]؛

«اما شما آنها را به مسخره گرفتید و این برخورد شما را از یاد من غافل کرد و شما به آنها می خندیدید!».

چنین کسی با بی حیایی، مقدسات و مسائل دینی را مسخره می کند و چون حیا ندارد، عفت را نیز زیر پا می گذارد و رفته رفته ایمان از او دور می شود. امام صادق (ع) می فرماید: «لا إيمان لمن لا حياء له؛ [19] برای کسی که حیا ندارد، ایمان هم نیست».

توصیه هایی چند

حال چه باید کرد؟ در این باره وظایفی بر عهده متولیان فرهنگی و دستگاه های قضایی است که می توانند با راهکارهای مناسب، کارآمد و مستمر در رفع این بیماری اجتماعی چاره اندیشی و ایفای نقش کنند. شکی نیست تا زمانی که برای بهره گیری از ابزار مدرن در میان جامعه «فرهنگ سازی» نشود، شاهد بدتر شدن وضع موجود خواهیم بود. افراد حاضر در جامعه تابع راهی هستند که به آنها نشان داده می شود. از جمله راهکارها، به ویژه در بخش تلفن های همراه، این است که بتوان فایل هایی متنی با مضامین دینی، روایات زیبا از معصومان (ع) و سخنان بزرگان دینی و نیز تصاویر زیبا و لطیف که دارای چهارچوب اخلاقی و اسلامی اند، در میان جوانان و جامعه گسترش داد و افکار را از بی عفتی، به سمت فطرت پاک و کمال در دین و نهایتاً تعالی شخصیت هدایت کرد. فرهنگ سازی در خانواده و ترویج آموزه های اسلامی و توجه به فرهنگ و سنت های غنی ایرانی، از وظایف متولیان فرهنگی کشور است که با جلوگیری از منتشر شدن هجویات و تصاویر مخرب، می توانند دین خود را ادا کنند.

از طرف دیگر، باید به کاربران و خصوصاً جوانان آموزش داده شود که وسیله تولید شده برای رفاه بیشتر مردم است، نه برای سلب آسایش دیگران. نخستین و مهم ترین راهکار، پررنگ کردن آموزه های دینی در میان جوانان است. در وضعیت موجود، تأکید بر بازگشت به معنویات و ارزش های اخلاقی، تنها بخشی از راه نرفته ای است که باید با نگرش صحیح پیموده شود. همچنین در این مسیر، باید فرهنگ بهره گیری درست از علم و فناوری را جایگزین مادی گرایی و تجمل گرایی کرد. مردم اگر بعد از دریافت این پیامک های مسخره آمیز، از ارسال آنها به دوستان و آشنایان خود صرف نظر کنند، می توانند عاملان و سازندگان این بلوتوث ها و پیامک ها را نیز در رسیدن به مقاصد آنان ناکام بگذارند. در کنار کارهای فرهنگی که از طریق رسانه انجام می گیرد و نیز علاوه بر بهره گیری از عوامل آموزش و پرورش و کنترل اخلاقی، کنترل اجتماعی و برخورد قضایی نیز می تواند مؤثر باشد. اگر اقدامات پیشگیرانه را فقط به چنین برخوردهایی محدود کنیم، به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید.

کاربران اینترنت، دارندگان تلفن های همراه، خوانندگان نشریات و مرتبطان با رسانه های صوتی و تصویری افزون بر امر به معروف و نهی از منکر، باید موارد ذیل را رعایت کنند:

به رسانه هایی که به تمسخر و استهزا می پردازند، بی اعتنا باشند، از انتشار و نقل آنها خودداری و در صورت لزوم ارتباط خود را با تولید کنندگان و انتشار دهندگان قطع و آنان را به مراجع ذی صلاح معرفی کنند. خداوند متعال خطاب به مردم می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) [20]؛

«ای کسانی که ایمان آورده اید! افرادی را که آئین شما را به باد استهزا و بازی می گیرند، از کسانی که پیش از شما

به آنان کتاب داده شد و کافران را، دوست خود انتخاب نکنید و از خدا پروا کنید، اگر ایمان دارید». همچنین در باره لزوم ترک همنشینی با استهزا کنندگان مقدسات دینی می فرماید:
 (وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ) [21]؛
 «هر گاه کسانی را که آیات ما را استهزا می کنند، مشاهده کنی، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند».

پی نوشت ها :

- 1 . توبه./65
- 2 . التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفوی، ج11، ص:256؛ قاموس قرآن، علی اکبر قرشی، ج7، ص.154
- 3 . المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج18، ص.481
- 4 . تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج27، ص309؛ قاموس قرآن، ج7، ص.164
- 5 . حجرات./11
- 6 . قاموس قرآن، ج7، ص.11
- 7 . حجرات./11
- 8 . تفسیر نمونه، ج22، ص.179
- 9 . ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، علامه طبرسی، ج23، ص.211
- 10 . بقره./212
- 11 . همان،.67
- 12 . عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، ص.19
- 13 . غررالحکم، ج.2882
- 14 . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج20، ص.303
- 15 . روم./10
- 16 . بقره./14
- 17 . گناهان کبیره، شهید سید عبدالحسین دستغیب، ج2، ص.295
- 18 . مؤمنون ./110
- 19 . اصول کافی، ج2، ص.106
- 20 . مائده ./57
- 21 . انعام/68 .